

# حقوق جنگ و رفتار با اسیران جنگي

دکتر محمدرضا ضیایي بیگدلي

## مقدمه

يکي از جنبه‌هاي بارز حقوق بشر در  
مخاصمات مسلحانه بين‌المللي که عملاً نسبت  
به ساير مقررات مربوط از قدرت اجرايي  
بيشتري برخوردار است، قواعد حاکم بر  
رفتار با اسیران جنگي است.

در اين گفتار سعي ما بر اين است تا  
عمده مسائل زير را مورد بررسي قرار  
داده و پس از آن به يك نتیجه‌گيري اصولي  
دست يابيم:

1- تحول تاريخي

2- منابع

3- چه کسانی اسير جنگي محسوب  
مي‌شوند؟

4- وضعیت حقوقی اسیران جنگي –  
جنبه‌هاي گوناگون اين وضعیت عبارتند از:  
رفتار انساني نسبت به اسیران؛ حفظ و  
نگهداري اسیران؛ اعلام مشخصات اسیران؛

ممنوعیت کشورها از اجبار اسیران به دادن اطلاعات؛ اعلام اسارت به کشور متبوع اسیران؛ شرایط زندگی در اردوگاههای اسیران؛ اشتغال به کار اسیران؛ مصونیت اموال شخصی اسیران؛ اعطای کمکهای مادی به اسیران؛ انجام فرائض و مراسم مذهبی اسیران؛ مکاتبات اسیران؛ منع گروهانگیری اسیری؛ اعمال حقوق مدنی از سوی اسیران؛ منع اقدامات تلافیجویانه نسبت به اسیران؛ شکایت اسیران از وضعیت اسارت؛ فرار اسیران.

5- تدابیر انضباطی و کیفری در مورد اسیران جنگی.

6- حمایت بینالمللی از اسیران جنگی - قدرت حامی کیست؟ کشور حامی؛ کمیته بینالمللی صلیب سرخ؛ نماینده متعهد اسیران؛ سازمانهای بینالمللی انسانی و بشردوستانه.

7- پایان اسارت - موجبات پایان اسارت: فوت اسیران؛ مبادله اسیران؛ ضمانت یا قول اسیران؛ فرار اسیران؛ جراحت و بیماری شدید اسیران؛ پایان مخاصمات فعال.

## 1- تحول تاریخی

در دوران باستان و قرون وسطی، اسیر جنگی معنی و مفهوم امروزی را نداشت. اسیران جنگی و یا به طور کلی شکستخوردگان در جنگ، محکوم به قتل یا بردگی بودند. بردگی اسیران بدین گونه بود که آنان از لحاظ جانی و مالی در اختیار شخص اسیرکننده و یا مقامات نظامی کشور اسیرکننده محسوب می‌شدند و ایشان می‌توانستند به هر نحو که مایل بودند با آنان رفتار نمایند. یونانیان حتی خشونت و بی‌رحمی را تا آنجا کشاندند که در مواردی اسیران را کور می‌کردند. در این دوران، نمونه‌های از بازخرید اسیران، مخصوصاً شاهزادگان دیده می‌شود که تصویب آن معمولاً در انحصار پادشاه بود.

تاریخ گویای این واقعیت تلخ است که رفتار یهودیان و مخصوصاً رفتار مسیحیان با اسیران جنگی در جنگ‌های صلیبی، رفتاری همراه با ایذاء و شکنجه بوده و حتی در بسیاری از موارد در عربستان قبل از اسلام، اسیران را از دم تیغ می‌گذارند. [اما] تاریخ اسلام مملو از

جریانات و رویدادهایی است که بیانگر نحوه رفتار پسندیده و انسانی اسلام در قبال جنگجویان دشمن است که به اسارت نیروهای اسلام درمی‌آیند.<sup>1</sup>

در مقابل این بینش انسانی اسلام، ویتوریا<sup>2</sup> عالم مذهبی مسیحیت معتقد است که باید کلیه اسیران مسلمان را بدون استثنا کشت و زنان و فرزندان آنان را به بردگی درآورد.<sup>3</sup>

رفتار غیرانسانی نسبت به اسیران جنگی تا قرن‌ها ادامه داشت و متأسفانه عقاید علمای حقوق بین‌الملل (مخصوصاً علمای غربی) توجیه‌کننده این اعمال بود. از جمله **گروسیوس** که به‌عنوان پدر حقوق بین‌الملل معروف است، نظرات جالب توجیهی در این باب دارد: «سرنوشت اسیران جنگی شبیه بردگان است».<sup>4</sup> «کسی که در جنگ اسیر می‌شود حق فرار ندارد».<sup>5</sup>

---

1. دکتر محمدرضا ضیایی بیگدلی: اسلام و حقوق بین‌الملل، شرکت انتشار، تهران، 1365، ص 174 و 177.

2. Vittoria.

3. آرتور نوس بام: تاریخ مختصر حقوق بین‌الملل، زیرنظر دکتر احمد متین دفتری، تهران، امیرکبیر، 1337، ص 118.

4. L. DELBEZ: les principes Generaux Du Droit International public, L.G.D.J. 3e ed., 1964, p. 533, 534.

5. احمد رشید: اسلام و حقوق بین‌الملل عمومی، ترجمه دکتر حسین سیدی، تهران، دانشگاه تهران، 1353، ص 168.

بالاخره «تنها در پایان قرن هفدهم، یعنی پس از جنگ سی ساله [مذهبی در اروپا] بود که تعریف اسیر جنگی از نظر حقوقی مشخص شد».<sup>6</sup>

## 2- منابع

قواعد و مقررات حقوقی حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا مدت‌ها جنبه عرفی داشت؛ اما امروزه تابع نظامی است که به موجب اسناد بین‌المللی مهمی به‌طور صریح و روشن مشخص گردیده است. این اسناد عبارتند از:

– اعلامیه بروکسل 1874 (مواد 23 و 24).

– فصل دوم مقررات لاهه منضم به عهدنامه چهارم مورخ 18 اکتبر 1907 (مواد 4 تا 20).<sup>7</sup>

– عهدنامه ژنو مورخ 27 ژوئیه 1929 در زمینه بهبود سرنوشت اسیران جنگی.

---

6. CH. ROUSSEAU: le Droit Des Conflits Armés, A. Pedone, 1983, p. 85.

7. این عهدنامه 29 کشور را به یکدیگر پیوند می‌داد و قدرتهای بزرگ نظامی وقت چون اتحاد جماهیر شوروی و ژاپن عضو این عهدنامه نگردیدند. این عهدنامه صرفاً مربوط به اسیران سالم می‌باشد و اسیران مجروح یا بیمار، تابع مقررات خاصی هستند.

عهدنامه سوم ژنو مورخ 12 اوت 1949 در مورد رفتار با اسیران جنگی. این عهدنامه ضمن تأیید مقررات 1907 در عهدنامه 1929 ژنو، آنها را مورد تجدیدنظر قرار داده و تکمیل نمود. عهدنامه مذکور مشمل بر حدود 150 ماده است. هدف اساسی این قواعد «احتراز از کلیه اقداماتی است که جهت تضمین امنیت کشور متخاصم اسیرکننده غیرضروری می‌باشد».<sup>8</sup>

«اندیشه اساسی که این مقررات از آن الهام گرفته این است که اسارت جنگی یک اقدام سرکوبکننده نیست، بلکه اقدامی احتیاطی و بازدارنده تلقی می‌شود که در مورد دشمنی که سلاح خود را به زمین گذارده اتخاذ می‌گردد».<sup>9</sup>

عهدنامه سوم تا سال 1985 از تصویب 157 کشور گذاشته است.

– پروتکل‌های مورخ 12 دسامبر 1977 الحاقی به عهدنامه‌های چهارگانه 1949 ژنو (پروتکل شماره یک در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه بین‌المللی و

---

8. P. REUTER: Droit International public, thémis, 4e ed, 1973, p. 377.

9. CH. ROSSEAU: op, cit., p. 90.

پروتکل شماره دو در مورد حمایت از قربانیان مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی). پروتکل شماره یک تا سال 1984 مورد تصویب 42 کشور و پروتکل شماره دو تا سال 1982 مورد تصویب 22 کشور قرار گرفته است.

### 3- چه کسانی اسیر جنگی محسوب می‌شوند؟ در مخاصمات مسلحانه بین‌المللی:

به موجب ماده 4 عهدنامه سوم ژنو و بند 1 ماده 43 پروتکل شماره یک، اشخاص زیر در صورتی که در حین مخاصمات مسلحانه بین‌المللی از سوی دشمن دستگیر شوند، اسیر جنگی به حساب می‌آیند:  
- کلیه اعضای نیروهای مسلح منظم و سازمان‌یافته‌ای که تابع یک قدرت رسمی باشند.

— کلیه اعضای نیروهای مسلح غیرمنظم، از جمله اعضای دسته‌های چریکی و پارتیزانی.

— اعضای نهضت‌های پایداری سازمان‌یافته‌ای که در خارج یا در داخل کشور خود فعالیت دارند.

– نظامیانی که در يك کشور بی‌طرف بازداشت شده‌اند، به شرطی که در آنجا وضعیت مناسبتری نسبت به کشور متخاصم نداشته باشند.

– نظامیانی که از حیث امنیتی از سوی کشور اشغالگر، به دلیل عضویتشان در نیروهای مسلح کشور اشغالی، توقیف شده‌اند.

– اشخاصی که در سرزمینهای اشغالی، داوطلبانه در کنار دشمن سلاح در دست می‌گیرند، بدون اینکه فرصت متشکل شدن به صورت ارتش منظم را داشته باشند.

– خدمه کشتیهای بازرگانی یا ناوهای هوایی غیرنظامی.

– خبرنگاران جنگی.

– مددکاران بهداری و مذهبی (ماده 33 عهدنامه سوم).

– در مقابل، افراد زیر حق برخورداری از وضعیت مربوطه اسیران جنگی را ندارند: نظامیان مزدور، جاسوسان، خرابکاران.<sup>10</sup> اتباع غیرنظامی دشمن نیز اسیر جنگی تلقی نمی‌شوند.

---

**10.** «حکومت اسرائیل طی چند روز حق بازدید را برای کمیته بین‌المللی صلیب سرخ در مورد 9000 فلسطینی بازداشت شده در لبنان در ژوئن و ژوئیه 1982 نپذیرفت،



در صورتی که تردیدی در تعلق شخص به طبقات مذکور باشد، دادگاه صلاحیت وضعیت او را دقیقاً مشخص خواهد نمود. تا زمان صدور حکم، شخص یاد شده از حمایت مقررات عهدنامه سوم برخوردار خواهد بود. (ماده 5)

### در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی:

«اصولاً مقررات ناظر بر وضعیت اسیر جنگی در مخاصمات مسلحانه غیربین‌المللی<sup>11</sup> اجرا نمی‌گردد. با این حال، ماده 3 مشترک عهدنامه‌های چهارگانه [1949] ژنو حداقل رفتار انسانی را در مورد اشخاصی که به دلیل بیماری، مجروح بودن، بازداشت یا هر دلیل دیگر از کار افتاده‌اند، تضمین می‌کند. از سوی دیگر،

---

به این تصور که اینان فقط خرابکار هستند و باید در دادگاههای عادی محاکمه شوند».

**11.** اصطلاح «جنگ غیربین‌المللی» شامل جنگ داخلی به معنی اخص کلمه (یعنی مخاصمات مسلحانه‌ای که در داخل میان اعضای یک کشور روی می‌دهد)، جنگ میان اعضای یک کنفدراسیون کشوری، جنگ میان اعضای یک اتحاد شخصی، جنگ میان کشور حامی و کشور تحت‌الحمایه، مبارزات مسلحانه ملل تحت استعمار علیه کشورهای متروپل، مبارزات مسلحانه علیه اشغال نظامی و خارجی، و بالاخره مبارزات مسلحانه علیه رژیمهای نژادپرست در جهت اجرای حق ملتها در تعیین سرنوشت خود است.

طرفین می‌توانند با انعقاد موافقتنامه‌های خاص، برخورداری از وضعیت اسیر جنگی را برای اشخاص مذکور به رسمیت بشناسد. مواد 4، 5 و 6 پروتکل شماره دو قواعد تشکیل‌دهنده «رفتار انسانی» را مشخص می‌نماید.<sup>12</sup>

#### **4- وضعیت حقوقی اسیران جنگی**

اسیران جنگی از ابتدای دستگیری، ضمن پیروی از قوانین و مقررات و دستورات و فرامین کشور اسیرکننده (نه کسانی که آنان را مستقیماً دستگیر کرده‌اند) دارای وضعیت حقوقی خاصی می‌باشند. جنبه‌های گوناگون این وضعیت عبارتند از:

#### **رفتار انسانی نسبت به اسیران:**

مقامات کشور اسیرکننده باید با اسیران جنگی، در هر زمان و تحت هر شرایطی در کمال انسانیت رفتار کنند و از اعمال هرگونه رفتار غیرانسانی از قبیل خشونت (به صورت شکنجه‌های جسمانی یا روانی و غیره)، تهدید، توهین، دخالت‌های

---

12. M. TORRELLI: le Droit International Humanitaire, Que sais-je, 1985, p.55.

رسمی نابجا و بالاخره غفلت غیرموجه که منجر به فوت آنان گردد و یا سلامتی آنها را دچار مخاطر سازد، پرهیز نماید (ماده 13 عهدنامه سوم). اسیران، برخوردار از احترام و شرافت و حیثیت شخصی هستند (ماده 14 عهدنامه سوم) و بایستی با آنان بدون در نظر گرفتن نژاد، تابعیت و مذهب رفتار شود (ماده 16 عهدنامه سوم). به گفته پرفسور وتر «بی اغراق می‌توان گفت که اسیران جنگی در کلیه موارد به جز مورد آزادی خروج از اردوگاهها، از همان رفتار انسانی مساعد برخوردارند که نیروهای مسلح کشور اسیرکننده».<sup>13</sup>

کشور اسیرکننده مسئول رفتاری است که نسبت به اسیران جنگی صورت می‌گیرد (بند 1 ماده 12 عهدنامه سوم). در صورت بد رفتاری با آنان، کشور اسیرکننده مسئولیت بین‌المللی خواهد داشت (بند 1 ماده 12 و ماده 129 عهدنامه سوم).

### حفظ و نگهداری اسیران:

کشور اسیرکننده مکلف است اسیران جنگی را بلافاصله پس از اسارت، از صحنه

---

13. P. REUTER: op. cit, p. 377.

عملیات جنگی تخلیه نموده و به پشت جبهه و نقاط امن منتقل نماید؛ سپس آنان را به اردوگاهها یا بازداشتگاههایی که به این امر اختصاص داده شده و داخل قلمرو کشور اسیرکننده (یا بیطرف) و کاملاً دور از منطقه نبرد است، اعزام کند تا در آنجا نگهداری شوند.

مسئولیت هر اردوگاه باید با یک افسر فرماندهی از جمعی نیروهای مسلح منظم کشور اسیرکننده باشد (ماده 39 عهدنامه سوم). تأمین بودجه نگهداری اسیران نیز با کشور اسیرکننده است.

### اعلام مشخصات اسیران:

اسیران جنگی به هنگام بازجویی تنها مکلف به اعلام نام و نام خانوادگی، درجه نظامی، تاریخ تولد، شماره شناسایی و یا در صورت نداشتن شماره شناسایی، آثار هویتی مشابه آن میباشند (ماده 17 عهدنامه سوم). در صورت خودداری اسیر از اعلام مشخصات، کشور اسیرکننده میتواند وی را از تمام یا قسمتی از امتیازاتی که به سایر اسیران داده است، محروم نماید.

## ممنوعیت کشورها از اجبار اسیران به دادن اطلاعات:

اعمال هرگونه فشار جسمانی یا روانی از سوی کشور اسیرکننده به اسیران جنگی جهت کسب هرگونه اطلاعات، ممنوع است (ماده 17 عهدنامه سوم).

## اعلام اسارت به کشور متبوع اسیران:

کشور اسیرکننده مکلف است هر مورد اسارت را از طریق دفاتر اطلاعاتی – دفاتری که ایجاد آن الزامی است – به اطلاع کشور متبوع اسیران برساند.

## شرایط زندگی در اردوگاههای اسیران:

شرایط مادی و معنوی در اردوگاههای اسیران باید متناسب با شئون آنان باشد تا سلامتی‌شان به‌نحو مطلوبی تأمین گردد. در این رابطه کشور اسیرکننده مسئول فراهم آوردن امکانات و وسایل لازم جهت رفاه اسیران در زمینه‌های مسکن، پوشاک، تغذیه و مراقبتهای بهداشتی و پزشکی است.

در مورد تغذیه، جیره غذایی روزانه اسیران باید از جهت کمی، کافی و از نظر کیفی، متنوع باشد (ماده 26 عهدنامه سوم).

مقررات عهدنامه سوم مخصوصاً در زمینه تأمین بهداشت اردوگاه و مراقبتهای پزشکی تأکید خاصی دارد. «در زمینه پزشکی، اسیر باید همچون مجروحان و بیماران جنگی در هر شرایطی تحت مراقبتهای لازم پزشکی باشد. از سوی دیگر، کشور اسیرکننده به ویژه نباید مانع از معاینه پزشکی اسیر شود. معاینات پزشکی باید حداقل هر ماه یکبار صورت گیرد. اسیرانی که مزاجشان نیازمند مراقبتهای ویژه است، باید به مؤسسات تخصصی انتقال داده شوند. کشور اسیرکننده باید قابلیت کاری اسیران را کنترل نماید.

چنانچه اسیر در شرایط خاصی فوت کند و یا مجروح شود، باید در این مورد تحقیقات به عمل آید».<sup>14</sup>

---

14. M. TORRELLI: op.cit, p. 56.

## اشتغال به کار اسیران:

در مورد اشتغال به کار اسیران، در عهدنامه 1929 ژنو این موارد پیش‌بینی شده بود (مواد 27 تا 33): کشور اسیرکننده می‌تواند اسیران سالم، به استثنای افسران و هم‌ردیفان آنان را به‌عنوان کارگر به کار وادارد. درجه‌داران را تنها می‌توان به کارهای نظارتی مجبور ساخت. نوع کار اسیران باید متناسب با شرافت و سلامتی و درجه نظامی و قابلیت کاری افراد و در جهت حمایت آنان در مقابل دشمن باشد. در نتیجه، نوع کار نباید هیچگونه رابطه مستقیمی با عملیات نظامی از جمله ساختن یا حمل اسلحه یا مهمات و ملزومات جنگی داشته باشد.

«در جریان جنگ جهانی دوم در مورد تفسیر عبارت «کار در رابطه مستقیم با عملیات نظامی» مباحثات شدیدی درگرفت؛ زیرا خصیصه جنگ تام<sup>15</sup> 1939 عملاً هر منبع

---

15. امروزه جنگ‌های زیر را «جنگ تام» می‌گویند:  
الف - جنگ‌های جهانی (در مقابل جنگ‌های ناحیه‌ای و محلی).  
ب - جنگ‌هایی که عرصه نبردشان از قلمرو اختصاصی کشورهای متخاصم تجاوز کند.

اقتصادي متخصصان را در جهت هدفهاي نظامي شامل مي‌شد...»<sup>16</sup>

مشكلات ناشي از تفسير عبارت مذکور و ساير ابهامات و نارساييهاي عهدنامه 1929 موجب گرديد تا در مقررات عهدنامه سوم، قواعد دقيقی (در مواد 49 تا 57) در ارتباط با اشتغال به کار اسيران گنجانیده شود. در اين عهدنامه، «براي آنکه کار [مجاز برابر مقررات عهدنامه] تغيير ماهيت ندهد و به بهره‌کشي غيرانسانی يا مشارکت غيراخلاقي جهت تقويت نيروي جنگي کشور اسيرکننده نينجامد»،<sup>17</sup> نوع کاري که اسيران مکلف به انجام آنند دقیقاً مشخص و معين گرديد: امور خدماتي اردوگاهها، امور کشاورزي، امور صنايع توليدي يا استخراجي يا کارخانه‌اي، امور حمل و نقل و بسته‌بندی کالاها، فعاليتهاي بازرگاني يا هنري، خدمات خانه‌داري و خدمات عمومي (مواد 49 تا 57).

---

ج - جنگهايي که کليه افراد نظامي و غيرنظامي را دربرگيرد.

16. CH. ROUSSEAU: op. cit., p. 92.

17. M. TORRELLI: op.cit., p. 57.



هیچ يك از كارهاي مذکور نباید دارای خصیصه یا هدف نظامی باشد (ماده 50).

در مقابل، به‌کارگیری اسیران در کارهای مضر، خطرناک (از جمله خنثی کردن مین) و توهین‌آمیز ممنوع است (ماده 52). مبادرت به عملیات خطرناک چنانچه با رضایت کامل شخص اسیر باشد، مجاز است. در این حالت، اسیر باید يك دوره تخصصی را بگذارند و وسایل حمایت مناسب در اختیار داشته باشد.

اسیران در قبال کاری که انجام می‌دهند مستحق دریافت دستمزد و غرامت ناشی از بیکاری به‌گونه‌ای منصفانه و طبق معیارهایی مشخصی هستند.

ماده 130 عهدنامه سوم، اجبار اسیر را به خدمت در نیروهای مسلح دشمن «جرم مهم» قلمداد کرده است.

### **مصونیت اموال شخصی اسیران:**

در دوران اسارت، اموال شخصی اسیران به استثنای سلاحهایشان، مصون از هرگونه تعرض و ضبط از جانب کشور اسیرکننده می‌باشد. در صورتی که پول نقد داشته

باشند و از آنان اخذ گردد، رسید آن باید داده شود.

### **اعطای کمکهای مادی به اسیران:**

اسیران حق دریافت کمکهای مادی (انفرادی یا دسته‌جمعی) از سوی هرکس یا هر کشور و یا هر سازمان و به هر طریقی را دارند. این کمکها میتواند مواد غذایی، پوشاک، دارو، کتاب و یا سایر لوازم مشابه باشد (ماده 72 عهدنامه سوم).

### **انجام فرائض و مراسم مذهبی اسیران:**

اسیران با رعایت شرایط و مقررات انتظامی، در انجام فرائض و مراسم مذهبی خویش آزادند و کشور اسیرکننده نمیتواند مانع از اجرای این امور گردد (ماده 34 عهدنامه سوم).

### **مکاتبات اسیران:**

اسیران پس از استقرار اردوگاه یا بازداشتگاه، حق ارسال و دریافت مراسلات

را دارند و مکاتبات آنان معاف از پرداخت هرگونه هزینه پستی است، ولی تابع مقررات سانسور از کشور اسیرکننده می‌باشد (ماده 70 عهدنامه سوم).

### **منع گروگان‌گیری اسیران:**

از اسیران نباید به‌عنوان گروگان جهت تحقق اهداف سیاسی استفاده شود.

### **اعمال حقوق مدنی از سوی اسیران:**

اسیران حق دارند در طول دوران اسارت، حقوق مدنی خود را حفظ و اعمال نمایند. این حقوق بدون قید حصر عبارتند از: حق ازدواج (اصالتاً یا وکالتاً)، حق وصیت (تهیه و تنظیم وصیتنامه)، حق طلاق (پس از طی تشریفات قانونی لازم)، حق انجام معامله (اصالتاً و وکالتاً)، حق اعطای وکالت، حق انعقاد قرار داد.

### **منع اقدامات تلافی‌جویانه نسبت به اسیران:**

کشور اسیرکننده نباید هیچ‌گونه اقدامات تلافی‌جویانه نسبت به اسیران معمول دارد. «این ممنوعیت به دلیل خصیصه نفرت‌انگیز خاص استعمال این شیوه علیه حوادث بلادفاع است».<sup>18</sup>

### **شکایات اسیران از وضعیت اسارت:**

اسیران حق دارند بدون هیچ‌گونه محدودیتی جهت به نتیجه رساندن شکایاتی که نسبت به کیفیات اسارت دارند، به مقامات نظامی کشور اسیرکننده یا نمایندگان قدرتهای حامی، خواه با وساطت معتمد خود و خواه مستقیماً، مراجعه و درخواست رسیدگی نمایند (ماده 78 عهدنامه سوم).

### **فرار اسیران:**

چنانچه اسیری، پس از به اسارت درآمدن یا در دوران بازداشت در اردوگاه، اقدام به فرار کند، از نظر حقوق جنگ عملی مذموم و زشت انجام نداده است، بلکه دقیقاً برعکس، عمل وی منطبق با شرافت نظامی و شهامت میهن‌پرستی بوده

---

18. CH. ROUSSEAU: op. cit., p. 91.

و حتی در بسیاری از مقررات نظامی برای رزمندگان خودی که اسیر می‌شوند به‌عنوان یک وظیفه ملی و میهنی تلقی شده است. البته این بدان معنی نیست که کشور اسیرکننده احتیاطات و پیشگیری‌های لازم را در جهت مراقبت از اسیران معمول ندارد.

در نتیجه، چنانچه اسیری فرار کند و یا سعی در فرار داشته باشد، کشور اسیرکننده می‌تواند با استفاده از اسلحه مانع از این اقدام شود. استعمال اسلحه باید در مرحله آخر و پس از اخطار به تسلیم و عدم تسلیم فراری و با توجه به اوضاع و احوال صورت گیرد.

در صورتی که اسیر فراری دستگیر شود، تنها مجازات قابل اجرا در مورد وی تنبیه انضباطی خواهد بود و این تنبیه فاقد هرگونه خصیصه کیفری است (مواد 91 تا 94 عهدنامه سوم).

### **تدابیر انضباطی و کیفری در مورد اسیران جنگی:**

برخورداری اسیران از حقوق انسانی بدین معنی نیست که آنان دارای مصونیت

کیفري باشند، بلکه چنانچه عملي خلاف یا محرمانه را مرتکب شوند، مستحق تنبیه انضباطي یا مجازات کیفري متناسب خواهد بود. اما اعمالی «خلاف» یا «جرم» محسوب می‌شود که ناقض مقررات حقوق بین‌الملل و قوانین و مقررات کشور اسیرکننده باشد (مشروط بر اینکه مقررات حقوق داخلی مغایر با مقررات حقوق بین‌الملل نباشد) و مقررات مذکور صراحتاً برای آن اعمال، تنبیه یا مجازات متناسب تعیین کرده باشد.

به‌موجب ماده 89 عهدنامه سوم، تنبیهات انضباطي عبارت است از: جریمه، لغو امتیازات خاص، بیگاری و بالاخره بازداشت موقت. مدت بازداشت نباید از سی روز تجاوز کند.

جرایم و مجازاتهای کیفري، موضوع مواد 90 تا 108 عهدنامه سوم می‌باشد. در این مورد اصل مسلم این است که اعمالی باید قانوناً جرم و قابل مجازات محسوب شود که اگر این اعمال از سوی عضوی از نیروهای مسلح کشور اسیرکننده صورت می‌گرفت نیز قابل مجازات بود؛ از جمله قتل، سرقت، ضرب و جرح. با اینهمه کشور

اسیرکننده باید حتی المقدور سعی نماید که به جای مجازاتهای کیفری، تنبیهات انضباطی را اعمال نماید.

تنبیهات انضباطی از سوی فرمانده مسئول اردوگاه، و مجازاتهای کیفری از طرف یک دادگاه نظامی و پس از دادرسی قانونی باید صادر و اعلام شود. متهم باید امکان دفاع از خود و برخورداری از مساعدت یک وکیل مدافع صلاحیتدار را داشته باشد. اسیر جنگی حتی در صورت محکومیت کیفری نیز تحت حمایت حقوق بین‌الملل باقی خواهد ماند.

مجازات مرگ تنها در صورتی قابل اجرا است که حداقل شش ماه از تاریخ صدور حکم آن سپری شده باشد.

احکام محکومیت باید به اطلاع قدرت حامی برسد. نماینده قدرت حامی حق حضور در جلسات دادگاه را خواهد داشت.

محکومیت اسیران به خلع یا تنزل درجه نظامی ممنوع می‌باشد (ماده 49 عهدنامه سوم).

## 6- حمایت بین‌المللی از اسیران جنگی

حقوق جنگ مسئله حمایت از اسیران را به عهده نهادی به نام «قدرت حامی» واگذار کرده است. در نتیجه، با نقشی که برای «قدرت حامی» شناخته شده، مقررات مربوط به رفتار با اسیران جنگی تضمین گردیده است. قدرت حامی در واقع کنترل کننده اجرای مؤثر مقررات مربوط می باشد. به عبارت دیگر، این قدرت حامی است که کنترل می کند آیا کشور اسیرکننده با اسیران جنگی رفتار انسانی و موافق مقررات دارد یا خیر؟

اما این «قدرت حامی» کیست؟ مقررات عهدنامه سوم، این نقش را به ارکان گوناگونی محول کرده است: کشور حامی، کمیته بین المللی صلیب سرخ، نماینده معتمد اسیران و بالاخره هر سازمان بین المللی که دارای خصیصه انسانی و بشردوستانه است.

### کشور حامی:

هر يك از طرفین متخاصم، در حین مخاصمات مسلحانه بین المللی می تواند کشور بی طرفی را به عنوان «کشور حامی» معین و به طرف دیگر معرفی نماید. البته



کشور بی‌طرف، خود نیز باید با این امر موافق باشد.

نقش کشور حامی در عهدنامه سوم، نسبت به عهدنامه 1929 به‌طور مشروح‌تری بیان شده است (مواد 8، 10، 11، 23 بند 3، 60 بند 4، 62 بند 1، 63، 65، 66 بند 1، 69، 100، 126، 129).

وظیفه کشور حامی «حفاظت از منافع طرفین مخاصمه» و نظارت برای اجرای عهدنامه می‌باشد. به بیان دیگر، هر یک از کشورهای حامی، حافظ منافع کشور متخاصم انتخاب‌کننده خود نزد کشور طرف دیگر متخاصم می‌باشد. در اجرای این وظیفه هر کدام از طرفین، نمایندگان از میان مأموران دیپلماتیک یا کنسولی و یا اشخاصی از بین اتباع خود و یا سایر کشورهای بی‌طرف انتخاب و معرفی می‌نمایند. نمایندگان که از میان اتباع سایر کشورها انتخاب می‌شوند باید مورد قبول و تأیید کشور اسیرکننده باشند.

نمایندگان کشور حامی می‌توانند در هر زمان از اردوگاه‌های اسیران بازدید و آزادانه و بدون حضور ناظر، با اسیران گفتگو نمایند و در هر حال، از چگونگی

رفتار کشور ا سیرکننده با آنان آگاه گردند.

لغو این نوع بازدهی‌ها تنها در صورتی که ضرورت‌های نظامی اجتناب‌ناپذیر، آن هم به‌عنوان امر استثنایی و موقتی ایجاب کند، امکان‌پذیر می‌باشد.

اعلام طرفین متخاصم نسبت به عدم استفاده از مقررات مذکور، باطل و از درجه اعتبار ساقط است (بند 5 ماده 10 عهدنامه سوم).

### کمیته بین‌المللی صلیب سرخ:

«نهاد کشور حامی بدون عیب و نقض نیست و اساساً نحوه کار و فعالیت آن تغییرپذیر و متنوع است. کاهش روبه‌تزايد کشورهای بی‌طرف در جریان جنگ جهانی دوم و الزام به تعویض کشور حامی به هنگامی که کشور حامی، خود متخاصم گردد (وضعیت ایالات متحده آمریکا از سال 1917)، محدودیتهای این نهاد را آشکار می‌کند».<sup>19</sup>

---

19. CH. ROUSSEAU: op.cit., pp. 95, 96.

ماده 9 عهدنامه سوم نهاد دیگری را که وظیفه قدرت حامی را انجام می‌دهد پیش‌بینی کرده و آن «کمیته بین‌المللی صلیب سرخ» است. نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ نیز چون نمایندگان کشور حامی حق بازدید دائمی از اسیران جنگی و به‌طور کلی نظارت بر اجرای مقررات عهدنامه سوم را دارا می‌باشند. به‌علاوه، آنان می‌توانند زمینه ملاقات میان نمایندگان کشورهای ذینفع را در یک کشور بی‌طرف فراهم سازند. مداخله این کمیته منوط به حسن نیت و موافقت رسمی طرفین متخاصم است.\*

### نماینده معتمد اسیران:

رکن دیگری که عهدنامه سوم به‌عنوان «قدرت حامی» شناخته، نماینده معتمد اسیراست (مواد 79 تا 81). این رکن در عهدنامه 1929 نیز پیش‌بینی شده بود (مواد 43 و 44).

---

\*. در جنگ تحمیلی عراق علیه جمهوری اسلامی ایران نشان دادند که بی‌طرف نیستند. «مجله حقوقی»

نماینده معتمد، اسیری است که بنابر اطمینان و اعتمادی که سایر اسیران نسبت به او دارند، وی را با رأی مستقیم به‌عنوان نماینده خود انتخاب و به مقامات کشور اسیرکننده، کشور حامی و کمیته بین‌المللی صلیب سرخ معرفی می‌کنند. این انتخاب باید مورد تأیید کشور اسیرکننده قرار گیرد. نماینده معتمد قدیمی‌ترین و ارشد افسران اسیر جنگی اردوگاهها است. وظایف نماینده معتمد عبارت است: مراقبت در آسایش اسیران، دخالت در توزیع کمکها، بازدید از اردوگاههای مختلف اسیران، انعکاس درخواست اسیران به مقامات کشور اسیرکننده و بالاخره همیاری با کشور اسیرکننده در حل مشکلات اسیران.

### **سازمانهای بین‌المللی انسانی و بشردوستانه:**

آخرین رکنی که نقش قدرت حامی را ایفا می‌کند، کلیه سازمانهای بین‌المللی انسانی و بشردوستانه است (ماده 9

عهدنامه سوم). «این نوآوری تا به امروز از صورت نظری خارج نشده است».<sup>20</sup>  
به طور کلی «امروزه تأسیس يك سازمان بین‌المللی دولتی خاص که بتواند وظایف قدرت حامی را برعهده گیرد، مورد بحث و گفتگو است».<sup>21</sup>

## 7- پایان اسارت جنگی

اسارت ممکن است در طول مخاصمه و یا پس از آن پایان پذیرد و اسیران به کشورشان مراجعت نمایند؛ اما این امر منوط به تحقق یکی از شرایط یا موجبات زیر نیز می‌باشد:  
فوت اسیران، مبادله اسیران، ضمانت یا قول اسیران، فرار اسیران، جراحت یا بیماری شدید اسیران، و بالاخره پایان مخاصمات فعال.

### فوت اسیران:

اسیران ممکن است در طول دوران اسارت به علل گوناگونی در اردوگاهها و

---

20. CH. ROUSSEAU: op.cit., p. 96.

21. P. REUTER: op. cit., p. 378.

بیمارستانهای دشمن فوت نمایند. مقررات مندرج در مواد 120 و 121 عهدنامه سوم ناظر بر این وضعیت و مسائل مربوطه آن است. از آن جمله: شرایط تنظیم و تدوین وصیتنامه و تحویل آن به کشور متبوع متوفی، تنظیم گواهی فوت، گواهی فوت باید در اولین فرصت ممکن جهت جمع آوری و انتقال اطلاعات مربوطه اسیران جنگی به دفاتر اطلاعاتی که بدین منظور در هر کشور متخاصم تأسیس می‌شود، ارسال و اعلام گردد. ایجاد يك اداره گورستان در هر کشور متخاصم جهت انجام کلیه امور مربوطه تدفین یا سوزاندن اجساد، تحقیقات احتمالی قدرت حامی در صورت وقوع مرگ مشکوک.

### **مبادله اسیران:**

مقررات عهدنامه سوم و به‌طور کلی قواعد قراردادی حقوق جنگ در این باب مسکوت مانده است؛ لیکن رویه عملی کشورها در طی قرون و اعصار نشانگر این است که مبادله اسیران مخصوصاً بیماران و مجروحان شدید و اعضای کادر بهداری، یکی از موجبات بسیار معمول ختم اسارت بوده

است. این امر ممکن است ناشی از توافق و تراضی کتبی و مستقیم طرفین متخاصم به صورت موافقتنامه خاص یا پیمان موقت ترک مخاصمه به منظور مبادله اسیران باشد و یا ناشی از مساعی جمیله قدرت حامی. نقشی که کمیته بین‌المللی صلیب سرخ قادر است در این مورد ایفا نماید، حائز کمال توجه است.

### **ضمانت یا قول اسیران:**

یکی دیگر از جهات پایان اسارت که منجر به آزادی اسرا در حین مخاصمات می‌گردد ضمانت یا قول آنان؛ بدین نحو که کشور اسیرکننده می‌توانند در چارچوب قوانین و مقررات داخلی خود، کلیه اسیران یا عده‌ای از آنان را به قید ضمانت و یا تنها به صرف قول خود ایشان آزاد کند و اجازه دهد که به کشورشان باز گردند. چنین اسیرانی باید تضمین و قول دهند که پس از آزادی، در مخاصمات فی مابین شرکت نخواهند کرد. این شیوه هرچند بسیار شرافتمندانه است، لیکن کارایی لازم را ندارد؛ زیرا اسیر چگونه می‌تواند تعهدی را بدهد که به احتمال

بسیار زیاد قادر به انجام آن نخواهد بود؟ شرکت در جنگ، جز در موارد استثنایی، امری اجباری است و اراده و تمایل افراد نقشی در آن ندارد. آزادی بنابر قول یا ضمانت، موضوع مواد 10 تا 12 مقررات 1907 لاهه و بند 2 ماده 21 عهدنامه سوم می‌باشد؛ اما عهدنامه 1929 در این مورد ساکت است.

### **فرار اسیران:**

فرار اسیران از اردوگاهها و به‌طور کلی از کشور متخاصم یکی دیگر از موجبات آزادی و خاتمه اسارت است. موضوع فرار اسیران قبلاً بررسی شد.

### **جراحی و بیماری شدید اسیران:**

اسیرانی که در طی دوران اسارت به‌گونه بسیار شدیدی مجروح و یا به بیماری سختی مبتلا می‌گردند، مخصوصاً آن دسته از مجروحان و بیمارانی که امکان مداوا و بهبود آنان نمی‌روند، باید



سریعاً و هرچه زودتر (حتی‌الامکان) به کشورشان بازگردانده شوند. بدیهی است این امر نباید موجب بحرانی‌تر شدن حال مجروح یا بیمار شود. اتخاذ تصمیم در مورد آزاد کردن اینگونه اسیران با کمیسیون پزشکی مختلطي است که دارای سه عضو می‌باشد: يك نفر تبعه کشور بی‌طرف، يك نفر نماینده کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و بالاخره نفر سوم تبعه کشور اسیرکننده. قاعده بازگرداندن سریع مجروحان و بیماران شدید به کشورشان در جنگ‌های مهم پس از 1945 (جنگ‌های کره، ویتنام، اعراب و رژیم غاصب اسرائیل، عراق علیه جمهوری اسلامی ایران) به اجرا درآمد.

### **پایان مخاصمات فعال:**

کشور اسیرکننده مکلف است اسیران جنگی را بلافاصله پس از پایان مخاصمات فعال، آزاد نموده و به کشورشان بازگرداند (بند 1 ماده 118 عهدنامه سوم). اما سؤالی که از نظر حقوق در اینجا مطرح می‌شود این است که مخاصمات فعال چه موقع خاتمه می‌پذیرد؟ پس از

توافق در آتش‌بس، پس از انعقاد عهدنامه متارکه جنگ، یا بعد از برقراری و انعقاد پیمان صلح؟

آزادی و بازگرداندن اسیران به کشورشان در زمان آتش‌بس، که امری موقتی است، آزادی زودرس یا قبل از موقع می‌باشد؛ زیرا همواره احتمال از سرگیری مخاصمات وجود دارد و چه بسا بازگرداندن بسیار سریع آنان خطر تقویت نیروی نظامی دشمن را به همراه داشته باشد. از سوی دیگر، منوط کردن آزادی و بازگرداندن اسیران به انعقاد پیمان صلح، اسارت بدون هدف را استمرار می‌بخشد؛ چون تجربه نشان داده است که معمولاً فاصله نسبتاً زیادی میان قطع مخاصمات و انعقاد پیمان صلح وجود دارد. از این جهت، عهدنامه سوم، مقررات عهدنامه 1929 را که آزادی اسیران را مشروط به انعقاد پیمان صلح می‌کرد، مورد توجه قرار نداد.

در عصر حاضر، حتی گاهی از زمان امضای عهدنامه متارکه جنگ تا موقع انعقاد معاهده صلح نیز فاصله طولانی وجود دارد.

بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که «قبول يك مهلت محدود (از شش ماه تا دو سال پس از پایان مخاصمات) و تفسیر موسع و قابل انعطافی در مورد وضعیت افراد بازداشتی (بیماران، مجروحان، اسیران سالم، افراد غیرنظامی، مددکاران بهداری و مذهبی) يك اقدام معقول می‌باشد... بازگرداندن اسیران جنگی پاکستانی که از سوی هند بازداشت شده بودند، تنها پس از امضای موافقتنامه دهلی نو مورخ 28 اوت 1973 آغاز شد و تا تاریخ 30 آوریل 1974 ادامه داشت؛ در حالی که مخاصمات از 17 دسامبر 1971 خاتمه پذیرفته بود».<sup>22</sup>

اسیران جنگی که تحت تعقیب کیفی قرار می‌گیرند، تا پایان دادرسی و در صورت لزوم تا خاتمه مدت مجازات در زندان باقی خواهند ماند و به کشورشان باز نخواهند گشت.

اما آیا اسیران جنگی آزاد شده بایستی علی‌رغم میل خود به کشورشان بازگردانده شوند؟ «موضوع به هنگام مذاکرات متارکه جنگ میان کره شمالی و

---

22. CH. ROUSSEAU, op. cit., p. 105.

فرماندهي سازمان ملل متحد در کره جنوبي مطرح گردید. حکومت کره شمالي معتقد بود که طبق ماده 128 عهدنامه 1949 ژنو بازگشت به وطن در تمامی حالات الزامي است. مجمع عمومي سازمان ملل متحد به دلايل انساني و حقوقي استناد جست و اين ادعا را رد کرد؛ زیرا مسلم است که بازگرداندن اجباري به وطن، کاملاً مغاير با آزادي است و نتیجه آن اين است که زنداني را از يك زندان به زندان ديگري مي‌فرستد. از سوي ديگر، اسير جنگي که بازگشت به کشور خويش را نمي‌پذيرد و به عبارت دقيقتر حاضر به جذب مجدد در کشور اصلي خويش نيست، في الواقع از حق بازگشت خويش به وطن صرفنظر نمي‌کند، بلکه صرفاً از آن امتياز استفاده نمي‌نمايد».<sup>23</sup>

### نتیجه‌گیری

وضعیت اسیران جنگي در روند تاريخ، تغييرات عمده‌اي به خود دیده است. دير زماني آنان در اختيار فاتحان جنگ بودند که مي‌توانستند يا ايشان را به قتل

---

23. L. DELBEZ: op. cit., p. 535.

برسانند و یا به بردگی بکشانند. حتی نظر برخی علمای مسیحی و دانشمندان حقوق بین‌الملل نیز مؤید اینگونه رفتار غیرانسانی نسبت به اسیران است. البته در این مرحله از تاریخ نباید دیدگاه انسانی رفتار با اسیران جنگی در اسلام را از نظر دور داشت.

به تدریج و مخصوصاً در قرن هفدهم و هیجدهم میلادی بود که اسیر جنگی در مهد اولیه حقوق بین‌الملل معاصر یعنی در قاره اروپا مفهومی حقوقی یافت. این امر در واقع مرهون نظرات بشردوستانه دانشمندانی چون جان لاک انگلیسی، منتسکیو و ژان ژاک روسو فرانسوی می‌باشد.

حقوق حاکم بر رفتار با اسیران جنگی تا قبل از اعلامیه 1874 بروکسل و عهدنامه‌های 1899 و 1907 لاهه عمدتاً مبتنی بر عرف بود؛ اما امروزه عهدنامه‌های بین‌المللی در این مورد نقشی اساسی دارند که مهمترین آنها را می‌تواند عهدنامه سوم ژنو مورخ 12 اوت 1949 دانست.

طبق مقررات مذکور، اصولاً برخورداری از وضعیت اسیران جنگی، از لحظه اسارت تا پایان آن است. با اینهمه برخی از غیرنظامیان نیز می‌توانند از این وضعیت برخوردار شوند؛ از جمله خدمه کشتیهای بازرگانی یا ناوهای هوایی غیرنظامی، خبرنگاران و بالاخره مددکاران بهداری و مذهبی.

وضعیت حقوقی اسیران جنگی مشتمل بر جنبه‌های گوناگونی است: با اسیران باید با انسانیت رفتار شود؛ اسیران را باید در اماکن امن و دور از صحنه نبرد و در اردوگاههای مخصوص اسکان داد؛ اسیران را نمی‌توان وادار به اقرار و بیان اطلاعات و مطالبی نمود که خود مایل به دادن آن نیستند؛ هرگونه اسارتی باید به کشور متبوع اسیر اعلام شود؛ اسیران باید برخورداری از یک رفاه و آسایش مادی و معنوی نسبی باشند؛ بهداشت اردوگاهها و مراقبتهای پزشکی و درمانی و امدادهای مذهبی باید تأمین گردد؛ اسیران را می‌توان به کار متناسب با شأن و وضعیت جسمی آنان در قبال دریافت دستمزد واداشت، به شرطی که آن کار جنبه نظامی

نداشته باشد؛ اموال شخصی اسیران (به جز سلاحشان) مصون از هرگونه تعرض است؛ اسیران برخوردار از آزادی انجام فرائض و مراسم مذهبی، فعالیت‌های فکری و ورزشی می‌باشند؛ اسیران حق برقراری مکاتبات را دارا هستند؛ گروگان‌گیری و هرگونه عمل تلافی‌جویانه و انتقامی و اعمال مجازات‌های دسته‌جمعی نسبت به اسیران ممنوع است؛ حقوق مدنی اسیران با اسارت ساقط نمی‌شود؛ حق شکایت برای اسیران در تمام طول دوران اسارت باقی است؛ مجازات اقدام به فرار صرفاً تنبیهات ساده انضباطی است

شناخت حقوق انسانی برای اسیران به آنان مصونیت کیفری نمی‌بخشد، بدین معنی که اگر مرتکب عمل مجرمانه‌ای گردند، مجازات متناسب و قانونی را باید تحمل نمایند.

کنترل و نظارت بر کلیه امور اسیران با نمایندگان کشورهای حامی متخاصمان، نمایندگان کمیته بین‌المللی صلیب سرخ و بالاخره نماینده مورد اطمینان و اعتماد اسیران است.

اما چگونه اسارت پایان می‌پذیرد؟

در صورتی که اسیر جنگی در سرزمین دشمن فوت نماید و یا براساس معامله متقابل، با اسیر جنگی کشور طرف خصمه مبادله شود و یا فرار نموده و از حیطه کشور اسیرکننده خارج گردد و یا بر اثر جراحت و بیماری شدید به طور یکجانبه آزاد شود، اسارت پایان پذیرفته است.

در خاتمه، جامعه بشری را همواره این آرزو بوده است که نقار از میان ملت‌ها رخت بریندد و جای خود را به دوستی، تفاهم و همزیستی مسالمت‌آمیز دهد تا کشورها مجبور نباشند به جای کوشش در راه توسعه و تکامل حقوق بین‌الملل و همزیستی مسالمت‌آمیز، تمامی توان و تلاش خود را برای وضع قواعد حقوقی ناظر بر جنگ‌ها به کار گیرند.

متأسفانه در عصر حاضر این امر آرزو و آرمانی بیش نیست. پس چون جنگ يك واقعیت تاریخی است، حقوق نیز باید آن را تحت نظم و کنترل درآورد؛ شاید بتوان از این طریق اندکی از مصائب بی‌شمار آن کاست و جامعه بشری را از انحطاط بیشتر برحذر داشت.